

## چگونگی امضای معاهده دیورند از زبان امیر عبدالرحمن خان

دوستان زیادی بر این عقیده اند که معاهده دیورند بر اساس رضائیت امیر عبدالرحمن خان صورت نگرفته، بلکه جبرا بالای او "تحمیل" شده است. خوب است این موضوع را از زبان خودش و در تاریخ خودش بخوانیم.

**نکات مهم معاهده قرار ذیل است (صفحات 114 - 117 جلد دوم تاج التواریخ):**

\* بجهت قطع و فصل تمام همین مناقشات و زحمات بود که سفارتی را بریاست سرمارتیمردوراند بکابل دعوت نمودم...

\* هر دو طغرا قرارداد نامه را در باب سرحداتی که معین شده بود خودم و اجزای سفارت مهر و امضا نمودیم...

\* در تاریخ سیزدهم ماه نومبر در عمارت سلام خانه دربار عمومی تشکیل یافته تمام صاحب منصبهای کشوری و نظامی و روسای طوایف مختلفه و نیز دو نفر پسرهای بزرگم حضور داشتند در حضور اهل مجلس بجهت من باب المقدمه نطقی نمودم و تمام قرارداد های را که داده شده بود بجهت اطلاع ملت و اهل مملکت خود و کسانی که حاضر بودند اجمالا بیان کردم خداوند را حمد نمودم...

\* به تمام وکلا و مامورین دولت من که حاضر بودند سوادی از خطابه نماینده های ملت افغانستان که تماما آنرا مهر نموده بودند داده شده و در خطابه مذکور نماینده های مذکور اظهار رضائیت نموده قرارداد ها و اتفاق نامه ها را قبول نموده از دوستی بین دولت انگلیس و افغانستان خیلی اظهار شغف و مسرت نموده...

\* حکم کردم که این سه فقره نطقها را بنویسد و روز بعد دوهزار نسخه از این ها چاپ شده در تمام مملکت منشتر ساختم...

\* دو روز قبل از حرکت سرمارتیمردوراند از کابل خواستم نشانهای بجهت معزی الیه و سایر صاحب و سایر صاحب منصبهای انگلیس که اجزای سفارت او بودند بفرستم...

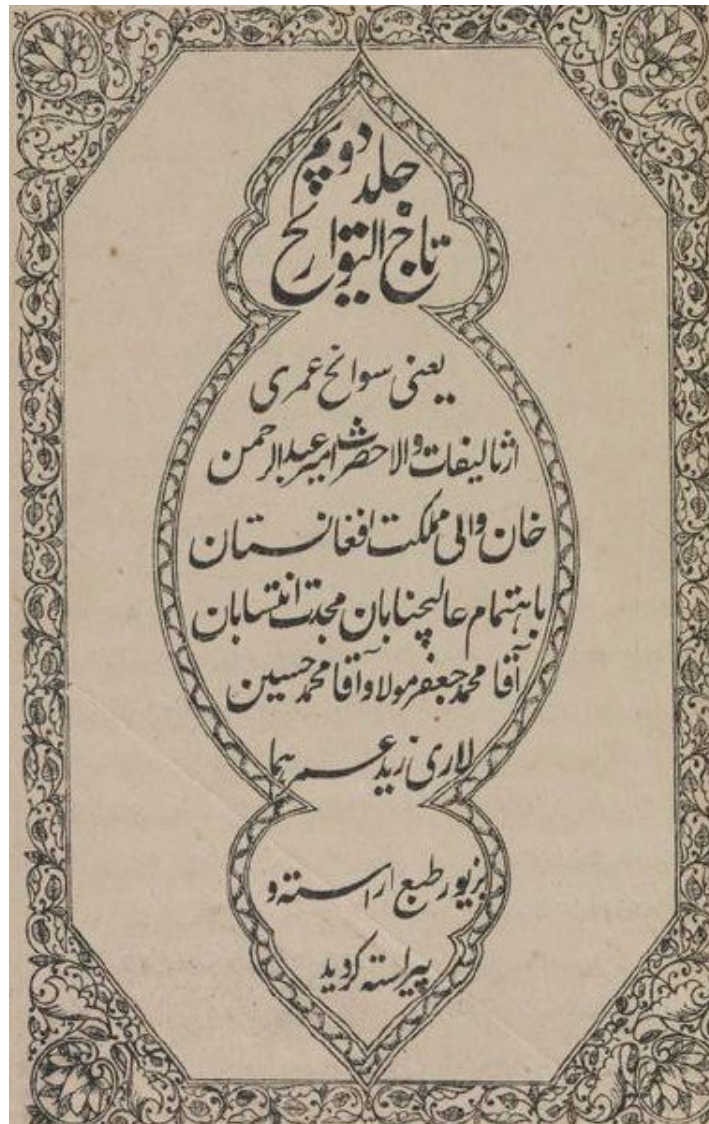
\* از خداوند مسئلت می نمایم که این امنیت و موافقت تا ابد مستدام باشد...

## نتیجه گیری

آیا از این متن نمیتوان استنتاج کرد که معاهده دیورند نه تنها توسط امیر عبدالرحمن خان با رضائیت کامل امضا گردیده، بلکه در یک "لویه جرگه" بزرگ نیز مورد تأیید و تصویب قرار گرفته است؟

زیرا این قرارداد در محضر یک "دربار عمومی" متشکل از تمام صاحب منصب های کشوری و نظامی و روسای طوایف مختلفه پیشکش شده؛ اهل مجلس و تمام وکلا و مامورین دولت اظهار رضائیت نموده قراردادها و اتفاق نامه ها را قبول نموده اند!"

آیا این "دربار عمومی" یا "مجلس" فوق همان چیزی نیست که امروز آنرا "لویه جرگه" مینامند؟ قضاوت را به شما خوانندگان ارجمند میگذارم!



داخل مملکت من سپینوزند مثل اینکه کارو بکیر من نیزند و خبر نواهی هم بود که دولت انگلیس میخواهد راه  
 آهین خود را چه با اجازه من و چه بی اجازه من باشد تا نقشه بار بار در نزد این خبر در هر جا منتشره و در مجلس  
 پارلمنت هم مطرح مذکوره بود در این باب و کلام من که خلاصه تمام روزنامه جات را در مسایل مستغلت  
 با فغانستان بر من میفرستادند مشغلا اطلاع میدادند علاوه بر این دولت روس در باب لایات  
 روشن و شغنان مشغول فراهم آوردن اشکالات برای من بود بجهت قطع و فصل تمام من مناقشات  
 و زحمت بود که سفارتی را برایست سرمار تیمر دوراند بکابل دعوت نمودم و چون مشاور الیه محض سیاسی ان  
 هوشیاری بود ملطف شد که طبعان باعث اطمینان است چنانچه شیخ سعیدی علیه الرحمه کویا  
 دل را بدل رسی است در این بنگون سپهر از کینه کینه خیز و از روی محرم محرم  
 مشاور الیه بجهت سلامتی و محافظت خود بمن اعتقاد نموده عازم کابل گردید و مشاور الیه بسرای  
 مساوین خود کفیل لیس که یکی از اجزاء اداره نظامی هندوستان بود و کپستان مانتریس سمت  
 و ستر کلادک که یکی از اجزاء وزارت امور خارجه دولت هندوستان بود و دکتر فن حکیم باشی فرمانفرما و  
 رستردانده و چند نفر از محاسبین و منشیها و اجزاء هندی تباریخ نوز و هم ماه شامبر ۱۹۱۳ از پیشاور  
 بطرف کابل حرکت نمودند و در ورود سفارت مذکور بکابل خیرال من غلام حیدر خان دارانا استقبال  
 نمودن لاندکی که عمارت سکونی پسر م حیب خان بود و متصل بکابل میباشد بجهت منزل آنها  
 تعیین نمودم بعد از مجلس رسمی اول فرا مشغول مذاکرات گردیدیم چون سرمار تیمر دوراند شخص سیاسی  
 دان بسیار زیرکی بود و زبان فارسی را هم خوب میدانست تمام مذاکرات زود اصلاح شد ولی بجهت  
 اینکه مثبت هر حسرتی را که سرمار تیمر دوراند خودم و دیگر متکلمین سفارت صحبت میکردیم در شش تا هشت  
 هزار داده بودم که منشی باشی من سلطان محمد خان محقق پروه بشیند بدون آنکه کسی او را ببیند یا حضور  
 او را عقب پروه غیر از خود و دیگر کسی بداند هر گل را که آنها بمن یا بمن خودشان چه در انگلیسی چه در فارسی  
 می گفتند بنویسد مشاور الیه هر گل را که سرمار تیمر دوراند یا خودم با هم دیگر بکلم می کردیم بنظر ملاحظه اختفاری  
 نوشته ثبت این مکالمات تمام در اول انشاء و وقتی ضبط است حاصل تمام محبت ما این است که

که فلکونی که بین دولت من باد دولت روس در باب روشن و شنان حاصل شده بود چنانچه قبلاً  
 بیان داشتیم قطع و فصل کردید در باب ولایت داخان که جز مملکت من گردیده بود متراودام که  
 تحت محافظت دولت انگلیس باشد چرا که ولایت مذکور از کابل بسیار دور و از مملکت من فراقاده بود  
 و ازین جهت خیلی مشکل بود که ولایت مذکور را بجوی مستحکم نمایم در باب خط سرحدی متراوده شد که  
 خط مذکور را از چترال و کردنه بر و غیل تا پیشاور کشیده شخصی نمایند و از آنجا هتم تا کوه ملک سیاه مسین  
 نمایند باین قسم که داخان و کافرستان و اسمار و طایفه توپهند لال پوره قدری از وزیرستان جز  
 مملکت من گردید و من ادعای حقوق خود را در باب استانیه راه آهن چمن نو و چغانی و بانی وزیرستان  
 و بند خیل و گرم و افریدی و باجور و سوات و نسیر و دیرو چیلداس و چترال ترک نمودم هر دو طرفه اقرار داد  
 نامه در باب سرحدی که معین شده بود خودم و اجزای سفارت مهر و امضا نمودیم و در قرار و نام مذکور نیز ذکر  
 شده بود چون دولت افغانستان بطور دو تنی ادعای خود را در باب بعضی از ولایات چنانچه قبلاً مذکور  
 شده است قطع نمود لکن بعضی این بهراری وجه اعانه که سالی دو از ده لک و پانزده دولت هندوستان تا  
 بحال می پرداخت بعد ازین سالی سجد لک و پانزده خواهد داد علاوه بر این دولت هندوستان متعهد گردید که محض سمرهای  
 دوستانه اسلحه و ادوات حربه بدلت افغانستان بدهد نیز قرار داده شد که بعد از دولت افغانستان هر قدر اسلحه و ادوات حربه  
 که خواسته باشند اجماع نموده و در افغانستان نماید دولت انگلیس مانع نشوند پیرم حبیب الله خان تمام اجزای انگلیسی  
 سفارت را با عبدالرحیم خان معاون استه شرفیه و محمد افضل خان سفیر انگلیس معتمد کابل و نواب  
 ابراهیم خان در باغ بابر بجهت صرفت شام دعوت نمود پسر پیرم حبیب الله خان و نصر الله خان  
 و غلام حیدر خان سپه سالار و منشی باشی و دو سه نفر از صاحب منصبهای من از آنها پذیرائی نمودند  
 در تاریخ سیزدهم ماه نومبر در عمارت سلام خانه در بار عمومی تشکیل یافته تمام صاحب منصبها  
 لشوری و نظامی کابل و روسای طوایف مختلفه دینزد و نفر پسرهای بزرگ حضور داشتند در حضور  
 اهل مجلس بجهت من باب مقدمه لفظی نمودم و تمام قرار داری را که داده شده بود بجهت اطلاع  
 ملت و اهل مملکت خود و کسانی که حاضر بودند اجمالاً بیان کردم خداوند را حمد نمودم که روایط دوستانه را

که بین این دو دولت حاصل بود محکم و آنها را بیشتر از پیشتر با هم یک موقت عطا فرمود و نیز از سر مار تیمور و  
 و اجزاء سفارت اظهار اتقان نمودم که گفتگو با رازوی عاقل قطع و فصل نمودند بعد از آن سر مار تیمور در اند  
 نطق مختصری نموده در آخر اظهار داشت که تکراری از فرمانفرمای هندوستان بمن رسید از قرار دادی  
 که تازه داده شده است و از بوفقتهای دوستانه ما خیلی اظهار شغف و رضایت نموده اند و نیز اظهار  
 داشت که لار و کبری در مجلس پالمنت اظهار رضایت نموده است بتمام و کلا و ما مورین دولت  
 من که حاضر بودیم سوادی از خطابه نماینده های ملت افغانستان که تماماً از ما مهر نموده بودند داده است و در  
 خطابه مذکور نماینده ای مذکور اظهار رضایت نموده متراد دادها و اتفاق نامه را قبول نموده از  
 دوستی بین دولت انگلیس و افغانستان خیلی اظهار شغف و مسرت نموده بودند من مجدداً دفع ثانی  
 برخاسته خطابه مذکور را بجهت اجزاء سفارت و سایر حضار مجلس قرائت نمودم آن روز به منشی باشی حکم  
 دادم که خود را پنهان نماید بلکه با حکم کردم که این سه فقره را بنویسد در روز بعد و هر نسخه ای از این  
 چاپ شاه در تمام مملکت منتشر ساختم من باب مثال یک فقره در اینجا ذکر می نمایم تا آشکار شود  
 که اهالی مملکت من دوستی دولت انگلیس را چه قدر معتقد و بیشتر بشمارند و چه قدر محبت آنها را  
 قلوب این مردم و ما مورین من جا گرفته است در روز قبل از حرکت سر مار تیمور در اندازگار کابل خواستم  
 نشانهای بجهت مغزی البه و سایر صاحب منصبهای انگلیس که اجزاء سفارت او بودند بفرستم و بجهت  
 اینکه که ام یک خوش اقبال را حامل این نشانها قرار بدهم مجازاً دوستانه در میان سپه سالارین  
 و منشی باشی و یک نفر کو تو ال فرستادم آمد هر یک از اینها میل بود که خود نشانها را برده با اجزاء سفارت  
 تسلیم نمایند زیرا که تمام آنها جزا این خدمت را مخصوصاً اسباب استخار خود نمیدانستند و میل بود  
 که نشانهای مذکور توسط آنها بصاحب منصبهای انگلیس برسد آخراً منشی باشی را به نشانها  
 فر بفرستادم و با دستور العمل دادم که نشانهای مذکور را بدست خود بآنها اهدا نماید و از خدمات  
 ممتاز آنها از جانب من اظهار استنانه نماید بعد از تسلیم نمودن نشانهای مذکور بصاحبان آنها  
 منشی باشی مراسلات آنها را که مستنمن بر اظهار تشکر و استنانه بود با خود آورد و سفارت مذکور بتاریخ

چهاردهم ماه نوامبر از کابل حرکت نموده و این مسافرت با نمانجیلی خوش گذشت مناقشات و کشموریایی  
 که در باب این امورات سرحدی در میان می آمد تمام شد بعد از آنکه خطوط سرحدی را کمیسیونهای این دولت  
 برطبق قرار دادهای مذکوره فوق تسدید نمودند اعمیت و اتفاق بین این دولت برقرار گردید از  
 خداوند مسلت می نمایم که این اعمیت و موافقت تا ابد مستدام باشد شایسته بود که این نمایان